



نگاهی به نقش رهبر انقلاب در عبور کشور از آشوب آبان ۹۸

# قوام اسلامیت، تضمین جمهوریت

امیر فرشیداف روزنامه نگار

سه سال پیش و پس از اعلام ناگهانی خبر تغییر قیمت بنزین و شوک ناشی از آن، اعتراضاتی پرانگده نسبت به تصمیم دولت دوازدهم در برخی نقاط کشور شکل گرفت. فرصت به وجود آمده، بهترین محمل برای ایجاد و توسعه آشوبی بود که از چند سال قبل، وعده آن را مقامات برخی دولت‌های متخاصم داده بودند. تحلیل وقوع و چرایی چنین رخدادی فضای مستقلی را می‌طلبد

و خارج از میدان موضوع این نوشتار است، اما به‌عنوان یک زمینه غیر قابل انکار، باید به عدم نقش آفرینی صحیح و بموقع نهادهای دولتی متولی اطلاع‌رسانی و اقتناع افکار عمومی درمورد این طرح اشاره کرد. دولت دوازدهم و شخص رئیس جمهور وقت - به‌عنوان پیشنهاد دهننده و مجری این طرح - با در اختیار داشتن منابع و امکانات رسمی رسانه‌ای کشور، در خط مقدم اقتناع مردم قرار داشتند که متأسفانه به‌دلیل رویکردهای مردم‌گریز و حتی مردم‌ستیز و غلبه ذهنیت و

خوی اشرافیت در وجود برخی مسئولان امر، به بدترین نحو ممکن با مردم مواجه شدند که نماد آن، صحبت‌های رئیس‌جمهور وقت مبنی بر بی‌اطلاعی از زمان اجرای آن و این جمله مشهور و البته درد آور بود که: «من هم مثل شما صبح جمعه فهمیدم!» اما یکی از پرسش‌های مهم در این ماجرا که باز متأسفانه به آن به نحو جامع و کامل پاسخ داده نشد، این بود که چرا رهبری از این تصمیم دفاع کردند و در انتقاد میان موافقان این طرح و مخالفان آن جانب موافقان را گرفتند. حداقل سه دلیل عمده و کلان می‌توان برای حمایت رهبری ذکر کرد:

■ **آشوب آبان و تئوری «جامعه مُرده» روشنفکران اصلاح طلب**



سعودی، سریع‌ترین رشد را در میان اعضای گروه ۲۰ داشته باشد، در حالی که سال ۲۰۲۰ بر اثر ریزش قیمت نفت شدت آسیب دیده بود. مزاد بودجه عربستان سعودی در سه ماهه دوم ۷۷٫۹ میلیارد ریال (۲۱ میلیارد دلار) رشد کرد. بزرگترین شریک تجاری عربستان سعودی در صادرات، بزرگترین صادرکننده این فرآورده ژئوئن، چین بود که ارزش صادرات ریاض به این کشور، به ۲۱ میلیارد ریال رسید و پس از آن کشورهای ژاپن، هند، کره جنوبی و آمریکا قرار گرفتند. بر اساس گزارش بلومبرگ، مجموع صادرات عربستان سعودی در سه ماهه دوم ۸۵ درصد در مقایسه با مدت مشابه سال ۲۰۲۱ افزایش یافت و به حدود ۴۳۰ میلیارد ریال سعودی رسید. سهم صادرات نفت از کل صادرات این کشور از ۷۲ درصد در مه ۲۰۲۱ به ۸۰٫۶ درصد در مه ۲۰۲۲ افزایش یافت. این در حالی است که واردات کالاهای عربستان سعودی با ۲۱٫۸ درصد افزایش به ۵۳٫۹ میلیارد ریال در ماه مه ۲۰۲۲ در مقایسه با ۴۴٫۲ میلیارد ریال در ماه مه ۲۰۲۱ رسیده است. این امر به عربستان کمک کرد تا به مزاد تجاری دست یابد چرا که نسبت صادرات غیرنفتی به واردات ۵۱٫۸ درصد در ماه مه امسال بوده در حالی که این

متخاصم، از جمله ولیعهد سعودی از مدت‌ها قبل وعده کشاندن ناامنی به مرزهای ایران را داده بودند و از سوی دیگر، پس از بروز اولین نشانه‌های ناآرامی و شنیده شدن زمره‌هایی مبنی بررد این طرح در مجلس، تعدادی از سران اصلی گروه‌های معاند اعتراف کردند که نفس پس گرفتن این تصمیم توسط حکومت، صرف‌نظر از ماهیت و درست یا غلط بودن آن، منجر به بازتولید حسرات و اعتماد به نفس افراد و گروه‌های برانداز و آشوب‌طلب شد. طبیعتاً وقتی افرادی در چنین سطوحی، چنین اعتراضی می‌کنند، باید نسبت به جوانب و توابع آن بسیار هوشیار و محتاط بود.

ضمن اینکه برآورد و جمع‌بندی شورای عالی امنیت ملی - به‌عنوان مرجع اصلی تصمیمات امنیتی کشور در مقاطع خاص - این بود که لازم است نمایندگان مجلس به‌دلیل همین تبعات و جوانب مذکور، از اقدام هیجانی مبنی بر بازپس‌گیری ورد این طرح، خودداری کنند. اینجا بود که به‌دلیل نبود وقت و توان کافی، برای رفع اختلاف میان نمایندگان مجلس، از رهبر انقلاب استمداد صورت گرفت و ایشان نیز در پیامی، پیروی از توصیه‌های شورای عالی امنیت ملی را لازم دانستند. موضوعی که متأسفانه در رسانه‌ها و مخصوصاً توسط رسانه‌های جریان ضدانقلاب طوری بازنمایی شد که گویی رهبر انقلاب به نحوی یکجانبه حکم حکومتی صادر کردند.

درباره فشار دولت‌های متخاصم باید به دو طرح براندازی سه ساله (از ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹) موسوم به «عنکبوت» و «نمروذ» توسط دربار سعودی و پشتیبانی دولت آمریکا اشاره کرد. ضمن اینکه این طرح‌های خصمانه باید ذیل سیاست «فشار حداکثری» دولت ترامپ تحلیل کرد که متضمن سنگین‌ترین و بی‌سابقه‌ترین اقدامات علیه امنیت ملی ایران بود. درباره طرح «فشار حداکثری» مطالب متعددی گفته و نوشته شده است و در اینجا مقدمات و کلیاتی درباره طرح‌های مشترک سعودی و آمریکا موسوم به «عنکبوت» و «نمروذ» ذکر می‌شود:

یکی از رسانه‌هایی که اسناد این طرح‌ها را افشا کرد، روزنامه لبنای الاخبار بود. در گزارش الاخبار درباره طرح عنکبوت آمده است: هدف طرح عنکبوت، استفاده از توانمندی جنگ نرم برای بی‌ثبات‌سازی داخل ایران طی مدتی است که سقف آن سه سال ذکر شده است. از جمله ابزار پیشنهاده شده در آن، آغاز جنگ‌های سیاسی، اقتصادی، مالی، سایبری، رسانه‌ای، روانی و حقوقی علیه ایران است که هدف آن، تغییر نظام حکومت در تهران است به طوری که طبق سند سعودی، حکومت ایران به دولتی تبدیل شود که «دیگر از تئوریسم حمایت نکند؛ ثبات کشورهای

برای ۷۰ میلیون ایرانی در داخل و خارج باشند، سعودی‌ها برای این بخش از طرح، ۷۰ میلیون دلار بوجه سالانه اختصاص داده‌اند. آنها امیدوارند که این شبکه رسانه‌ای را برای قومیت‌ها و اقلیت‌های ایرانی نیز به زبان‌های ترکی و عربی توسعه بدهند. ایجاد کانال‌های ارتباطی قوی با گروه‌های تجزیه طلب عرب زبان و برگزاری دوکنفرانس عربی با موضوع اقوام عرب زبان ایران که در قاهره و بحرین برگزار شد، از دیگر اقداماتی است که در طرح مذکور پیش‌بینی شده بود.

■ **مردم سالاری دینی و مسأله حمایت رهبری از دولت‌ها**
سوم اینکه مدیریت رهبری در عبور کشور از این مقطع را نباید صرفاً به تصویر دفاع یک حاکم از یک تصمیم حکومتی و تأمین مصالح امنیتی و اقتصادی و… تقلیل داد، بلکه مهم‌تر از آن، باید این صلاح‌اندیشی را برحسب فلسفه‌سیاسی تشیع ونقش وجایگاه امام جامعه و ارتباط متقابل امامت و امت بر اساس آموزه‌های اسلامی ملاحظه کرد. به بیان دیگر، در نظام سیاسی‌ای که مبتنی بر امام و رهبر جامعه اساساً نمی‌تواند تصمیمی بگیرد که یکی از این دو پایه نادیده گرفته شود و هر حکمی که صادر می‌شود باید هم ناظر به تضمین رکن جمهوریت و مردم‌سالاری حکومت باشد و هم معطوف به تحکیم رکن اسلامیت. حمایت از دولتی که برآمده از آرای مردمی است یکی از وظایف رهبر انقلاب است که اتفاقاً معظمّم له در جلسه‌ای مسأله حمایت از دولت تدبیر و امید را این گونه بیان می‌کنند: «همه دولت‌ها را ما کمک کردیم، همه دولت‌ها حمایت کردیم، به این دولت تمام قطعاً کمک کردیم. البته حمایت بنده حقییر از دولت‌ها به معنای این نیست که همه کارکرد آن دولت‌ها را ما قبول داشته باشیم؛ نه، در دوره‌های مختلف، دولت‌های گوناگونی بودند، از همه‌شان هم ما حمایت کردیم، به همه‌شان هم ایرادهایی داشتیم در زمینه‌های مختلف، اما آن ایرادها نباید موجب بشود که ما دولت را بیگانه از خودمان بدانیم و دست حمایت و کمکی که همه باید به سمت دولت‌ها دراز کنند، این را انجام ندهیم.»

بنابراین، دو دلیل نخست را بایسته است که بر حسب دلیل سوم و به طور رفت و برگشتی ملاحظه کنیم تا ادراکی جامع و صحیح از نحوه مدیریت رهبر انقلاب در عبور کشور از بحران‌ها و چالش‌های موجود در طول تاریخ انقلاب به دست آوریم؛ چراکه بر حسب این نگاه است که می‌توان منطق مدیریت ایشان در غبار فتنه‌ها و بحران‌ها ازجمله در آشوب آبان ۹۸ را کشف کرد.

## مدیریت رهبر انقلاب در عبور کشور از این مقطع را نباید صرفاً به تصویر دفاع یک حاکم از یک تصمیم حکومتی و تأمین مصالح امنیتی و اقتصادی و… تقلیل داد، بلکه مهم‌تر از آن باید این صلاح‌اندیشی را بر حسب فلسفه سیاسی تشیع و نقش و جایگاه امام جامعه و ارتباط متقابل امامت و امت بر اساس آموزه‌های اسلامی ملاحظه کرد

همسایه را تهدید نکند و برای توسعه توانایی و توانمندی نظامی اتمی هم تلاش نکند.» همچنین به گزارش فارس، این سند با اشاره به آنچه آن را «امکان‌های مختلف برای همکاری دوجانبه عربستان سعودی با ایالات متحده برای نابودی رژیم ایران» می‌نامد، نشان می‌دهد که «تأسیس مرکز عملیاتی ۲۴ ساعته‌ای که به‌صورت فعال و مجهز به سامانه‌های الکترونیکی» در دستور کار بوده و در سند آمده که از این مرکز «می‌شود برای نظارت و اندازه‌گیری میزان ثبات رژیم ایران» استفاده کرد.

ناگفته‌نماند که منظور از «مرکز عملیات ۲۴ ساعته فعال» احتمالاً همان مرکز «اعتدال» در ریاض است که کار ویژه آن عملیاتی‌کردن راهبردهای جنگ نرم سعودی علیه ایران است. درمورد اهداف طرح نمروذ نیز در اسنادی که الاخبار از سعودی منتشر کرد، آمده است که «یکی از اهداف این طرح، تأسیس شبکه‌های خبری تلویزیونی به زبان فارسی است تا به گفته خودشان «مرجع خبری مستقل اول

نهادهای بین‌المللی از یک سو و جمهوری اسلامی از سوی دیگر شده است. می‌توان نتیجه گرفت در صورتی که جمهوری اسلامی بتواند روابط خود را با کشورهای عربی به سطح مطلوبی برساند، موجب تحدید قدرت عربستان خواهد شد. برای مثال ایران باید روابط خود را با سه کشور مهم چون مصر، اردن و تونس تقویت کند. کشورهای محور مقاومت هم به نوبه خود اهرم فشاری روی عربستان سعودی محسوب می‌شوند.

در سال ۱۹۰۲/۱۳۲۰ عبدالعزیز بن عبدالرحمان معروف به ابن سعود در ۲۰ سالگی خود با اقدامی موفق شد ریاض را تصرف کند و سلطنت عربستان سعودی را بنیان نهد. مبانی دولتی که وی تأسیس کرد و پیشینه آن به قرن هجدهم میلادی می‌پیوندد، بر شمشیر و محمل حکومت او ترویج‌مذهب حنبلی‌وهایی بود. یک‌روحانی متعصب و پاسبگرا و ضد شیعی نجدی به‌نام شیخ محمد بن عبدالوهاب در اواسط قرن هجدهم موفق شد تحصیلات «سلفی» و نظرات نوظهور خود را در نجد ترویج کند و امیر شهر ذریعۀ را مرید و طرفدار خود سازد. در سال ۱۷۴۴/۱۱۵۷ بین این عالم نجدی و امیر محمد بن سعود، امیر ذریعه یمنانی بسته شد که به موجب آن، امیر سعودی از سوی خود و در حمایت از آن خاندان به کار اطاعت از شیخ و اعیان او و سایر علمای وهابی را برعهده گرفت و شیخ نیز قبول کرد که خود و اولاد و پیروانش پیوسته راهنما و مدافع و یاور امیر سعودی باشند و تمام نوار و فرزندانش تا امروز حامی جدی سلطنت سعودی و عهددار امور شرعی و فرهنگی و قانونی قضایی بوده‌اند و شاهان سعودی پیوسته فرمان‌پذیر ایشان بوده و به حکم و فتوای شورای دینی وهابی به شاهی می‌رسند یا از سلطنت -چنان‌که درباره سعود بن

## نشریه «اکونومیست» گزارش مشروخی درباره «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان سعودی باعنوان «مستبدی در صحرا» منتشر کرده که در آن می‌گوید: بن سلمان از نسل هزاره دوم است، با شخصیتی متزلزل و بی‌ثبات و قدرتی مطلق در عربستان سعودی و بشدت جاه طلب است

عبدالعزیز عمل شد- خلع می‌گردند. هرچند در برهه فعلی بین وهابیت و بن سلمان تنش‌هایی ایجاد شده است (بن سلمان وهابیت را به عنوان مانع قدرت یابی خود ازبانی می‌کند) اما در ده‌ها سال گذشته آل سعود وهابیت به همدیگر گره خورده‌اند. اگر ده ۷۰ میلادی و درگیری بین این خاندان را فاکتور بگیریم، هیچ زمانی به اندازه‌وضع فعلی خاندان آل سعود وارد تنش نشدند. هرچند همه خاندان آل سعود بر استمرار پادشاهی در خاندان خود تأکید می‌کنند، اما بر سر جانشینی سلمان بن عبدالعزیز پادشاه سعودی اختلاف نظر جدی دارند. محمد بن سلمان که اکنون با شبکه کودتایی جانشین امیر یاف و ولیعهد سابق شده است، سوادای پادشاهی در سر دارد. به همین دلیل بسیاری از شاهزادگان مخالف را زندانی و تبعید کرده است. نشریه «اکونومیست» گزارش مشروخی درباره «محمد بن سلمان»، ولیعهد عربستان سعودی با عنوان «مستبدی در صحرا» منتشر کرده که در آن می‌گوید: بن سلمان از نسل هزاره دوم است، با شخصیتی متزلزل و بی‌ثبات و قدرتی مطلق در عربستان سعودی و

بشدت جاه‌طلب است و گفته می‌شود در نوجوانی عاشق خواندن کتاب‌های «اسکندر مقدونی» بود، اما به قدرت رسیدن وی تا حدود زیادی در شانس و اقبال مرتبط است. روند جانشینی در خاندان حاکم بر عربستان غیرقابل پیش‌بینی است، این خاندان تنها دو نسل است که بر عربستان حکومت می‌کند. پادشاهی سعودی در سال ۱۹۳۲ تأسیس شد و سلطنت از برادری به برادر دیگر و از میان فرزندان مؤسس این پادشاهی منتقل شده است. وضعیت تصدی منصب ولیعهد با پای گذاشتن پسران مؤسس پادشاهی سعودی هر روز سخت‌تر می‌شد. پدر محمد نامزد پادشاهی نبود، اما پس از مرگ ناگهانی دو برادرش در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، در صف جانشینی قرار گرفت. اکونومیست درباره شخصیت بن سلمان می‌نویسد: محمد در زندگی خصوصی‌اش فردی عصبی بود. یک منبع مرتبط با کاخ سلطنتی در این باره می‌گوید: «او آدم بسیار عصبی بود، به حدی که دفترهای کاری را به هم می‌ریخت و اسباب و اثاثیه موجود در کاخ را می‌شکست و از بین می‌برد.» برخی افرادی که او را می‌شناختند، محمد را «بسیار تندخو» توصیف کردند و دو نفر از افراد داخل قصر گفتند که به خاطر اختلافی که با مادرش پیدا کرد بود، سقف قصر را به گلوله بست، درحالی که

منابع مختلف رسانه‌ای در این خصوص خاطرنشان کردند که او مادرش را زندانی کرد. به سختی می‌توان فهمید که او چند همسر دارد، رسمی‌کاز زن دارد که شاهزاده خاتم «ساره بنت مشهور» است، اما درباریان کاخ می‌گویند که او حداقل یک زن دیگر نیز دارد. همچنین بن سلمان بسیاری از شاهزادگان را زندانی کرده است. به نظر می‌رسد بعد از سلمان بن عبدالعزیز بر سر جانشینی وی در عربستان بحران‌هایی صورت خواهد گرفت و این شرایط برای بسیاری از کشورهای منطقه که در تضاد با این خاندان هستند فرصتی مناسب برای پایان دادن به این خاندان و جنتیکامی‌یاشد.